

تحولات اعراب و اسرائیل و نیاز منطقه به صلح

امیر ساجدی*

چکیده

پیدایش ادیان مختلف و وجود منابع فراوان انرژی در ناحیه خاورمیانه باعث گردیده که منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردد. بدین سبب خاورمیانه همواره مورد طمع قدرتهای بیگانه قرار داشته و دارد. ادامه نفوذ قدرتهای بزرگ در ناحیه و وجود بحران اعراب و اسرائیل از آغاز قرن بیستم تا به امروز مشکلات عدیده‌ای را برای ملت‌های منطقه بوجود آورده است. این مشکلات باعث گشته تا آهنگ رشد ناحیه بسیار کند باشد و عبارتی دیگر منطقه خاورمیانه از نظر سیاسی، اقتصادی در سطح پایینی قرار گیرد. این بحران بعضی از مواقع امنیت جهانی را نیز به چالش کشیده است.

سوالی که مطرح می‌گردد این است که چرا بحران اعراب و اسرائیل تا کنون حل نگشته است. علت این امر را میتوان در نادیده گرفتن حق طرف‌های منازعه توسط یکی از طرفین و همچنین دخالت قدرتهای بزرگ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دانست. با بررسی مسایل سیاسی-اقتصادی طرف‌های مناقشه، این واقعیت روشن می‌گردد که تمامی طرف‌های درگیر نیازمند به صلح هستند. پیشرفت مسایل سیاسی اقتصادی و اجتماعی منطقه در گرو ثبات و امنیت ناحیه می‌باشد. برای دستیابی به صلح هر یک از طرفین می‌بایستی حاضر به دادن امتیاز بیشتری به طرف دیگر باشد. چرا که با این عمل می‌تواند امتیازات بیشتری را کسب کند. زیاده‌خواهی و عدم انعطاف‌پذیری هر یک از طرف‌های منازعه باعث خواهد شد تا بحران خاورمیانه حل نشدنی باقی بماند و

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

تغییری در وضعیت کنونی منطقه ایجاد نگردد و قدرتهای بیگانه همچنان به بهره برداری غیرمنطقی خود ادامه دهند.
واژه های کلیدی: بحران خاورمیانه - صلح خاورمیانه - نیاز فلسطینیان- نیاز اسرائیل - نیاز سوریه- مسایل نظامی- امنیت جهانی

Faculty of Admin. Sciences & Econ. Journal,
University of Isfahan.
Vol.17, No2 , 2005

Developments in the Arabs and Israeli Relations and the Need of the Region to Peace

A. Sajedi

Abstract

The emergence of different religions throughout history and the high amount of energy resources in the Middle East have made the region of vital importance to the world. For these reasons, the Middle East has been subject to the exploitation by great powers throughout history. The continued influence of great powers in the region and the emergence of the Arab-Israeli crisis in the twentieth-century have created many problems for the region. Due to these problems, the proem of growth has been restricted. In other words, from a political and economic standpoint, the Middle East has remained undeveloped.

The political, social, and military conflicts of the region have created international security problems. The question that arises is why the Arab-Israeli crisis has remained unsolved. Potential answers may include the unwillingness of one side to grant its opposition their rights, or that regional and world powers interfere in the crisis. However, political and economic analysis of the parties involved demonstrates that peace is necessary for their development.

In order to achieve peace, each side must be willing to concede to the other. In other words, if either party remains inflexible or refuses to negotiate certain points, then the conflict will remain unsolved, there will be little change in the development of the region, and great powers will retain their influence.

Keywords: Middle East, Crisis, Peace, Palestinians, Israel, Syria, Military-global security

تحولات اعراب و اسرائیل و نیاز منطقه به صلح

مقدمه

منطقه خاورمیانه یکی از مهمترین مناطق جهان بشمار می رود و مهد فرهنگها و تمدنهای مختلف می باشد. این منطقه محل تولد چهار دین یهود، زرتشت، مسیحیت و اسلام بوده و امروزه مرکز و کانون جهان اسلام بشمار می رود. این ناحیه دارای انرژی فراوانی است و قلب انرژی جهان محسوب می گردد. با درنظر گرفتن این امتیازات، کشورهای این منطقه می بایستی از نظر پیشرفت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح بالایی قرار می گرفتند. ولی متأسفانه با وجود تمامی این امتیازات ذکر شده، اکثر کشورهای منطقه در سطح پایینی قرار دارند و این ناحیه یکی از نقاطی است که پیشرفت در آن بسیار کند صورت می گیرد. میتوان علت این مساله را در گذشته وجود استعمارگران دانست ولی امروزه بعلت نبودن امنیت و سیاستهای نظامی گری با هزینه های بسیار بالا، باعث شده تا این منطقه همچنان مانند گذشته های نه چندان دور با رشد کند اقتصادی و سیاسی مواجه گردد.

از زمان تاسیس اسرائیل (۱۹۴۸) تا به امروز مساله اعراب و اسرائیل با تغییر و تحولات گسترده ای مواجه بوده است. این تحولات تا به امروز موفق به ایجاد صلح و امنیت در خاورمیانه نگشته و بعضی مواقع امنیت جهانی را نیز به چالش کشیده است. چرا راه حل مناسبی برای این مساله تا به امروز پیدا نشده است؟ دلایل متعددی دارد. اما در این راستا میتوان به دو نکته مهم اشاره کرد:

الف: عدم درک صحیح از واقعیت‌های تاریخی و انکار طرفین مناقشه از وجود تاریخی یکدیگر.
ب: عدم تمایل برخی از قدرتهای بزرگ منطقه ای و غیرمنطقه ای برای حل این مساله بواسطه منافع اشان.

اکثر راه کارهایی که تا به امروز بعنوان راه حل مساله اعراب و اسراییل پیشنهاد گشته بیشتر براساس منافع اسراییل و طرفداران غربی آن بوده و یا براساس منافع فلسطینیان و برخی از کشورهای مسلمان طرفدار آن . در واقع بیشتر سعی برآن شده که در مورد واقعیت ها صحبت نشود . طرفین مناقشه همواره سعی کرده اند که حضور در منطقه را حق دیگری ندانند و یا با دادن حق و امتیازات بیشتر به خود، حق و امتیازات کمتری به دیگری بدهند.
زیاده خواهی از یک طرف و تشویق و حمایت قدرتهای بزرگ از این نوع سیاستها نه تنها جلوگیری از حل مساله نموده بلکه باعث پیچیده تر شدن بحران نیز گشته است. چنانچه بخواهیم ثبات و صلح دائمی در منطقه بوجود آید ، مسایل می بایستی بطور ریشه ای و براساس حقایق موجود و همچنین تا جاییکه امکان دارد با در نظر گرفتن عدالت صورت گیرد.

واقعیت های تاریخی سرزمین فلسطین

هزاران سال قبل از آنکه ادیانی چون یهود، مسیحیت و اسلام متولد شوند، سرزمین فلسطین پذیرای اقوام مختلفی مثل کنعانیان، حیتان، آموریان، حویان، فریسیان و یبوسیان بود. کنعانیان حدود ۲۵۰۰ سال قبل از تولد مسیح از قبایل عربی شبه جزیره عربستان بودند که به ناحیه ای که بین رود اردن و دریای مرده و سواحل شرقی دریای مدیترانه قرار داشت مهاجرت نمودند. این قبایل بعدها به کنعانیان معروف گشتند که مهمترین قبیله آن یبوس نام داشت. کنعانیان بت پرست بودند که مشهورترین بت های آنان بت بعل (خدای خورشید) و بت عشتروت (خدای ماه) بود^۱. یبوسیان شهری بنام یبوس بنا نهادند. حاکم یبوس که هوادار صلح و آبادانی بود نام شهر را به اورسالم یعنی شهر سالم و صلح تغییر داد. بعدها بر اثر اختلافات داخلی روسای کنعانی که منجر به جنگهای شدیدی بین آنها گشت، زمینیه فروپاشی کنعانیان فراهم آمد. در قرن دوازدهم قبل از میلاد قومی که پولاستی نامیده می شد از جزیره کرت^۲ به سرزمینهای شرق سواحل دریای مدیترانه تا رود اردن مهاجرت کردند. آنها توانستند قدرت را

۱. علی اکبر هاشمی رفسنجانی ، سرگذشت فلسطین با کارنامه سیاه استعمار ، ص ۳۴

۲. جزیره ای در دریای اژه

از دست کنعانیان خارج و تسلط خود را بر شهرهای آنان ایجاد نمایند. سرزمینهایی که این قوم متصرف گشت بعدها به نام پالاستو^۱ و یا پیلستو^۲ و بعدها به پالستین^۳ مشهور گشت. این قوم نیز که بت پرستی را اختیار کرده بود تحت تاثیر بت پرستی کنعانیان قرار گرفتند و علاوه بر پرستش بت خود^۴، بتهای بلع و عشروت را نیز پرستش می کردند. فلسطینیان کم کم در فرهنگ کنعانیان هضم گشتند و زبان و آیین فرهنگ کنعانیان جایگزین فرهنگ و زبان فلسطینیان مهاجر گشت.

عبرانیان: حدود ۱۸۵۰ سال قبل از میلاد مهاجرت حضرت ابراهیم خلیل از شهر اور^۵، مرکز کلدانیها، به سرزمین کنعان صورت گرفت. حضرت اسحاق و سپس پسرش حضرت یعقوب در این سرزمین بدنیا آمدند که بعدها نام اسراییل بر حضرت یعقوب نهاده شد و نوادگان او به بنی اسراییل مشهور گشتند. تعداد زیادی از نوادگان یعقوب بر اثر سختی ها به مصر مهاجرت کردند. پس از چهارقرن جمعیت آنان رشد زیادی پیدا نمود. بعدها بر اثر سختی ها و ظلم فراوانی که از طرف فراعنه مصر به آنها وارد شد، تحت رهبری حضرت موسی (ع) قوم بنی اسراییل از مصر به کنعان عزیمت نمود. بعد از وفات حضرت موسی شهر اریحا و چند شهر دیگر فلسطینی بتصرف عبری ها درآمد. در زد و خوردهای بسیاری که بین عبرانیان و فلسطینیان صورت گرفت، سرانجام حضرت داود در سال ۱۰۰۶ ق. م مملکت اسراییل را تاسیس نمود. حضرت داود به فرمان خدا کار ساخت معبد هیکل را آغاز نمود و پس از فوت او معبد هیکل سلیمان بدست جانشین او حضرت سلیمان (ع) تکمیل گشت. در زمان جانشینی سلیمان یعنی رحبعام حکومت داود و سلیمان به دو بخش تجزیه شد و دو مملکت اسراییل و یهودا بوجود آمد. بر اثر جنگهای فراوان بین دو مملکت ضعف برآنان غالب شد. اسراییل بدست سرگون دوم در سال ۷۲۲ ق. م. سقوط کرد^۶ و مملکت یهودا بعدها بدست آشوری ها و کلدانیها افتاد. سپس نوبت به پارسیان رسید و فلسطین در سال ۵۳۸ پیش از میلاد

3. palastu
4. pilistu
5. palestine

۱. بت مشهور آنها داگون (خدای گندم) نام داشت

۲. عراق فعلی

۳. "اقصای مسلمانان و هیکل یهود"، مجله صدای فلسطین اسلامی، ص ۲۶

بتصرف کوروش درآمد^۱. در اثر شکست فارسیان از اسکندر مقدونی در سال ۳۳۲ ق.م. فلسطین نیز بتصرف اسکندر و جانشینان او درآمد و برحکومت ۲۰۰ ساله ایرانیان پایان داده شد. در سال ۶۳ پیش از میلاد فلسطین بتصرف پومپئوس سردار رومی درآمد^۲ و فلسطین تا ظهور مسیح (ع) در اختیار رومیان بت پرست قرار داشت. از این زمان به بعد رومی های مسیحی شده با یهودیان ساکن فلسطین بنای بدرفتاری بیشتری را بخاطر به صلیب کشیدن حضرت مسیح (ع) گذاشتند.^۳ در سال ۱۳۵ میلادی شورش بزرگ یهودیان درهم شکسته شده و از این به بعد اکثر یهودیان از سرزمین فلسطین بیرون رانده و در سراسر جهان پراکنده شدند.^۴ در سال ۳۱۳ میلادی مسیحیت بطور رسمی در سرزمین فلسطین اعلام گشت و از این تاریخ فلسطین یک سرزمین مسیحی محسوب می گشت. با ظهور اسلام (۶۰۹م) و معراج پیامبر اسلام از سرزمین فلسطین، این سرزمین از نظر مذهبی نه تنها برای یهودیان و مسیحیان، برای مسلمانان نیز دارای اهمیت گشت. زد و خورد های زیادی بین مسلمانان و مسیحیان برای در اختیار گرفتن فلسطین رخ داد. سرانجام در زمان معاویه تمام خاک سرزمین فلسطین بتصرف مسلمین درآمد و اعراب زیادی به سوی فلسطین روانه گشتند. جنگ های صلیبی متعددی بین مسلمانان و مسیحیان صورت گرفت و سرزمین فلسطین (بیت المقدس) دست بدست می گشت تا اینکه پس از جنگ چهارم صلیبی شهر بیت المقدس از دست مسیحیان برای همیشه خارج گردید و در سال ۱۲۹۱م. شهر عکا آخرین سنگر و دژ صلیبیان نیز بدست مملوکیان^۵ افتاد. مملوکیان برای دو قرن و نیم بر سرزمین فلسطین حکومت کردند. با شروع قرن شانزدهم، پس از شکست مملوکیان از عثمانیها بیت المقدس و کل سرزمین فلسطین تا سال ۱۹۱۶ در اختیار حکومت عثمانی قرار گرفت. بعلت نارضایتی ملل عرب از امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، آنها در کنار انگلستان برای آزادی و استقلال سرزمین های خود بر علیه عثمانی ها جنگیدند که نتیجه جنگ شکست و فروپاشی امپراتوری عثمانی و پیروزی انگلستان

۴. فضل الله نور الدین کیا، خاطرات خدمت در فلسطین، ص ۱۷-۲۱۵

۵. سید هادی خسرو شاهی، اسرائیل پایگاه امپریالیسم و حرکت های اسلامی در فلسطین، ص ۲۹

۱. "پاپ، کلیسا و یهودیان"، رابرت اس. وستریج، مجله مطالعات منطقه ای، اسرائیل شناسی-آمریکا شناسی، ص ۱۱۷.
 ۲. برای اطلاع بیشتر از تاریخ سرزمین فلسطین رجوع کنید به فریدریش شرابیر، نبرد فلسطین، تاریخ ۳۰۰۰ سال قهر؛ عبد الله جاسبی، فلسطین در فراز و فرود تاریخ؛ سید حسین بی آزاران، زادگاه پیامبران؛ احمد بهمنش، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی؛ سید جعفر حمیدی، تاریخ اورشلیم.

۳. ابراهیم پاشا در سال ۱۸۳۱-۴۱ از سرزمین مصر توانست برای مدت یک دهه بر سرزمین فلسطین حکومت نماید.

و فرانسه در جنگ بود. اعرابی که برای استقلال جنگیده بودند نتوانستند استقلال سرزمینهای خود را کسب نمایند و دوباره تحت استعمار بیگانگان قرار گرفتند.

نهضت صهیونیسم سیاسی که از سال ۱۸۹۷ میلادی یعنی از کنگره بال آغاز و بدنبال حمایت قدرتهای بزرگ آن زمان بود^۱، برای ایجاد یک وطن ملی برای یهودیان در این دوران بر تلاشهای خود افزود. این نهضت موفق گردید تا حمایت رسمی بریتانیا را در این مورد کسب نماید. صدور اعلامیه بالفور در سال (۱۹۱۷) در خصوص ایجاد یک وطن یهودی در سرزمین فلسطین در این راستا بود^۲. جامع ملل در سال ۱۹۲۰ تاسیس گردید و ایجاد یک وطن ملی برای یهودیان در سرزمین فلسطین را مورد بررسی قرار داد. این سازمان مهترتایید بر اعلامیه بالفور زد و رضایت جامعه ملل در خصوص بوجود آمدن یک وطن ملی در سرزمین فلسطین برای یهودیان اعلام گشت^۳. در طول مدت قیومیت انگلستان بر سرزمین فلسطین (۴۸-۱۹۲۰) که تشویق مهاجرت گسترده صهیونیستها را به فلسطین در برمی داشت باعث اعتراضات و درگیری های زیادی بین فلسطینیان و اعراب از یک طرف و صهیونیستها از طرف دیگر شد که نتیجه مثبتی برای اعراب بوجود نیامد. با تضعیف انگلستان در طول جنگ جهانی دوم و بعد از آن و همچنین حمایت آمریکا از نهضت صهیونیستی^۴، تعیین سرنوشت سرزمین فلسطین به سازمان جدیدالتاسیس ملل متحد سپرده شد. در رأی گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ اکثریت اعضا قطعنامه ۱۸۱ را بتصویب رساندند^۵. هر چند که فشار دیپلماتیکی امریکا بر برخی از اعضای سازمان ملل برای رای مثبت به تقسیم سرزمین فلسطین کاملاً مشهود بود^۶. طبق این قطعنامه سرزمین فلسطین بین صهیونیستها و مسلمانان تقسیم گشت. در آن زمان و شرایط قبول قطعنامه ۱۸۱ از نظر جامعه جهانی امری ضروری تشخیص داده شده بود و در نگاه آنها این تقسیم عادلانه بود^۷.

۴. ناهوم سوکولوف، تاریخ صهیونیسم جلد اول، صص ۹۲-۳۸۵

۱. حمید احمدی، ریشه های بحران در خاورمیانه، صص ۹-۱۵۳

۲. مساله فلسطین، گزارش کنفرانس حقوقدانان عرب در الجزایر، ص ۹۰؛ حجت ایزدی، فلسطین و سازمانهای بین المللی، ص ۱۱۱

3. Ritchie Owendale : **THE ORIGIONS OF THE ARAB - ISRAELI WARS**, p.118

۴. ژان پی یر درینیک، خاورمیانه در قرن بیستم، صص ۸۶-۱۸۳

5. Donald Neff : **Fallen Pillars, U.S. Policy towards Palestine and Israel Since 1945**, pp.45-52

۶. از آنجایی که دو طرف درگیر یعنی اعراب و صهیونیستها خواستار در اختیار گرفتن کل سرزمین فلسطین بودند و اعضای سازمان ملل زور را برای هیچکدام جایز نمی دانست، پیشنهاد تقسیم سرزمین فلسطین را منطقی تر و عملی تر و منصفانه تر می دانستند.

تعداد زیادی از منتقدین قطعنامه ۱۸۱ معتقدند که مجمع عمومی تنها قدرت ارایه راه حل و پیشنهاد را دارد و توصیه های آن خصوصیت الزام آور را نداشته و ندارد و بنابراین قطعنامه ۱۸۱ نمی توانسته لازم اجرا شود. اما عده ای از حقوقدانان براین عقیده اند از آنجائی که وضعیت سرزمین فلسطین و حاکمیت آن نامشخص بوده و در اصل تعیین حاکمیت آن به سازمان ملل متحد سپرده شده است، پس مجمع عمومی بعنوان عامل جامعه ملل میتواند تصمیم لازم اجرا بگیرد.

جدول رأی گیری

کشور	مخالف	موافق	ممتنع
بولیوی		X	
برزیل		X	
هائیتی		X	
فیلیپین		X	
لیبریا		X	
اتیوپی		X	
ایران	X		
هندوستان	X		
یوگسلاوی		X	
مصر	X		
عراق	X		
لبنان	X		
چین		X	
عربستان سعودی	X		
سوریه	X		
یمن	X		
افغانستان	X		
پاکستان	X		
ترکیه	X		
کوبا	X		
یونان	X		
آرژانتین		X	
شیلی		X	
کلمبیا		X	
السالوادور		X	
حبشه		X	
هندوراس		X	
مکزیک		X	
کانادا		X	
هلند		X	
چکسلواکی		X	
کواتمالا		X	
سوئد		X	
یرو		X	
اوکراین		X	
اروگوئه		X	
استرالیا		X	
آفریقای جنوبی		X	
لوکزامبورگ		X	
نیوزلند		X	
نروژ		X	
پاناما		X	
دانمارک		X	
لهستان		X	
آمریکا		X	
اکوادور		X	
نکاراگوئه		X	
پاراگوئه		X	
انگلستان		X	X
فرانسه		X	
اسلند		X	
ونزوئلا		X	
روسیه		X	
کاستاریکا		X	
دومینکن		X	
بلژیک		X	

لنجافسکی، ژرژ، تاریخ خاورمیانه، تهران: نگین، ۱۳۷۷؛ شریعت، محمد صادق، قدس و قطعنامه های بین المللی، تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۹.

تصمیم‌گیری‌ها در سازمان ملل و خارج از آن برای گروهی مناسب و عادلانه و برای عده دیگر نامناسب هستند. اعراب نه تنها تقسیم‌بندی را عادلانه نمی‌دانستند^۱، بلکه حاضر به پذیرفتن کشور غیرعربی در میان خود نبوده‌اند^۲. بدین سبب اعراب خشمگین در اکثر پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ عربی به سفارتخانه‌ها و کشور دولتهای موافق تقسیم حمله ور شدند و اولین جنگ اعراب و اسرائیل از همان روز تاسیس کشور اسرائیل آغاز گشت. اعراب نه تنها در جنگ شکست خوردند بلکه مناطق بیشتری را از دست دادند. در سه جنگ دیگر نیز همین نتیجه برای اعراب کسب شد. جنگهای متعدد^۳ نشان داد که مساله اعراب و اسرائیل از طریق نظامی‌گری قابل حل نیست و بدین برای تمایلات اعراب بعد از چهارمین شکست بطرف شناسایی و صلح با اسرائیل بتدریج مشاهده می‌شد. در حقیقت پس از چهارجنگ هر دو طرف منازعه دریافتند که هیچ یک از طرفین قادر به حذف یکدیگر نیستند و می‌بایستی بدنبال راه حل دیگری باشند. برخی از کشورهای عربی کم‌کم بطرف شناسایی و صلح قدم برداشتند^۴ و برخی دیگر در حد نظاره‌گر باقی ماندند. ضعف اقتصادی و اوضاع نابسامان سیاسی شوروی در اواخر دهه هشتاد میلادی قرن بیستم و اعلام اینکه این کشور دیگر قادر به ادامه کمکهای خود به اعراب نیست، زنگ خطر بزرگی برای اعراب بخصوص فلسطینیان بود. با کنا رفتن بزرگترین حامی اعراب و کسب قدرت مضاعف اسرائیل، اعراب در وضعیت بحرانی‌تر قرار گرفتند. حمله عراق به کویت و سپس چند دستگی اعراب در خصوص حمله به عراق برای آزادسازی کویت باعث عمیق‌تر شدن، شکاف در میان اعراب گشت. شکست عراق و تضعیف نظامی این کشور، وضعیت اعراب را در مقابل قدرت نظامی اسرائیل وخیم‌تر ساخت. با فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ مذاکرات صلح خاورمیانه با شرکت کلیه

۱. جان کوئیگلی، فلسطین و اسرائیل، رویارویی با عدالت، ص ۵۹؛ ایزدی، پیشین، ص ۱۶۳. اتحادیه عرب در دسامبر ۱۹۴۷ در قاهره تشکیل جلسه داد و در مورد تقسیم سرزمین فلسطین توسط سازمان ملل اعلامیه‌ای بدین شرح صادر نمود: "سازمان ملل با این عمل زشت خود حقوق همه ملل را در تعیین سرنوشت خود، در معرض خطر قرار داد و به اساس حق و عدالت پشت پا زد و برای تقسیم حدودی معلوم کرده که غیر قابل اجرا و منشاء فتنه و آشوب فراوانی خواهد بود... ما این قرار داد تقسیم را از بیخ و بن باطل و عاقل می‌دانیم و به اراده ملت‌های خویش برای خنثی کردن آن با اتکا و به یاری خداوند آماده می‌شویم." رفسنجانی، همان، ص ۳۱۴.

۱. برای بررسی جنگهای اعراب و اسرائیل رجوع کنید به غازی اسماعیل ربایعه، استراتژی اسرائیل (۱۹۶۷-۱۹۴۸)؛ عذرا خطیبی، درگیری‌های اعراب و اسرائیل؛ جان بالوک، خاورمیانه عربی بین دو جنگ؛ غلامرضا نجاتی، جنگ چهارم اعراب و اسرائیل اکتبر ۱۹۷۳.

۲. قرارداد صلح مصر با اسرائیل معروف به پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹.

کشورهای عرب درگیر با اسرائیل آغاز گشت. این مذاکرات برای برخی از کشورها نتایجی دربرداشت (پیمان صلح اردن و اسرائیل) ولی بعلت به سرانجام نرسیدن صلح اسرائیل با سوریه و فلسطینیان، این مذاکرات طولانی در این قسمت با شکست مواجه گشت. علت شکست مذاکرات زیاده خواهی طرف قدرتمند یعنی اسرائیل بود^۱. عدم تمایل برخی از کشورهای خاورمیانه به صلح و تحریک برخی از گروه های فلسطینی^۲ برای مخالفت با روند صلح از دیگر دلایل شکست مذاکرات صلح خاورمیانه محسوب می گردد.

همانطور که همگان می دانند تمامی کشورها بدنبال منافع ملی خود هستند. در این راستا تغییرات عمده ای در رفتار دولت ها مشاهده می شود که بدنبال آن تغییر سیاست خارجی بوجود می آید. برخی مواقع منافع ملی براساس جنگ و تسخیر سرزمین بیشتر و در برخی مواقع منافع ملی برپایه صلح و تفاهم و گسترش ارتباطات با دیگر کشورها شکل می گیرد. منافع ملی همواره ثابت نیستند، چونکه بستگی به عوامل متعددی چون قدرت ملی، محیط داخلی و محیط خارجی و بین المللی دارند. امروزه که مرزبندی بین کشورها در حال کم رنگ شدن می باشد، قدرت یک کشور به تسخیر سرزمینهای دیگر و بعبارت دیگر براساس گسترش سرزمینی نیست. در دنیای امروز گسترش تجارت و تسخیر بازارها جایگزین تسخیر سرزمینی شده اند. امروزه قدرت یک کشور را بیشتر در این رابطه میتوان ارزیابی گردد.

تاثیر صلح بر اقتصاد اسرائیل: صلح در منطقه خاورمیانه می تواند پیشرفت بیشتر اقتصادی را برای اسرائیل بوجود آورد. بخشهای متعدد اقتصادی در کشور اسرائیل، در صورت تحقق صلح می تواند درآمدهای بالایی برای اسرائیل ایجاد نماید و از میزان وابستگی اقتصادی این کشور به امریکا و اروپا بکاهد^۳. دلایل متعددی وجود دارد که اثبات کننده این ادعا می باشد که اسرائیل برای پیشرفت اقتصادی خود نیاز به صلح دارد، از جمله وجود کارگران کافی و ارزان کشورهای عربی (بخصوص خود فلسطینیان) برای تولیدات صنعتی و غیرصنعتی این کشور، بعد مسافت بازارهای مصرفی برای ارسال کالاهای اسرائیلی، انرژی ارزان قیمت

۳. محمد باقر سلیمانی، بازیگران روند صلح خاورمیانه، ص ۹۸-۲۸۵

۱. گروه هایی مانند جهاد اسلامی و حرکت مقاومت اسلامی (حماس)

. "تواناییهای اقتصادی اسرائیل"، مجله مطالعات منطقه ای اسرائیل-شناسی-امریکا شناسی، صص ۳-۱۶۲.

موجود در منطقه و... برای درک بیشتر ما بصورت مختصر به بررسی بخش هایی از اقتصاد اسرائیل می پردازیم .

بخش صنعت در اقتصاد اسرائیل حدود ۵۰٪ تولید ناخالص ملی این کشور را تشکیل می دهد. این کشور بعنوان یک کشور صنعتی در حال رشد در بین کشورهای صنعتی جهان جای گرفته است. چنانچه این بخش رو به رشد بخواهد به این روند ادامه دهد، اسرائیل نمی تواند تنها اکتفا به بازار کوچک محدود داخلی خود کند . پس می بایستی بدنبال بازارهای مصرفی بزرگتر باشد، لذا رشد و پیشرفت صنعت اسرائیل نیاز به بازارهای مصرفی خارجی از طریق صادرات دارد. سیاست کشور اسرائیل در راستای صادرات و فرآورده های صنعتی یا محصولات است که از تکنولوژی بالایی برخوردار است. بطور مثال در این زمینه قسمت اعظم صادرات این کشور در سال ۱۹۹۶ معادل ۲۳/۴۵ میلیارد دلار بوده است. بخشی از این کالاها در بازارهای صنعتی اروپا عرضه می شود . اما از آنجایی که کالاهای صنعتی کشورهای اروپایی از تکنولوژی برابر و در برخی از موارد بالاتر از اسرائیل قرار دارند، صادرات کالاهای اسرائیلی به اروپا نمی تواند سیر صعودی پیماید . پس رقابت کالاهای صنعتی اسرائیل با کالاهای مشابه اروپایی بسیار مشکل می باشد . در نتیجه جایگزین کردن بازارهای مصرفی خاورمیانه بجای بازارهای اروپایی، اطمینان بیشتری به صادرات صنعتی اسرائیل می دهد. کشورهای خاورمیانه که از نظر صنعتی شدن در مراحل اولیه می باشند، از نظر تکنولوژی در سطح پایینی قرار دارند، امکان رقابت جدی و واقعی در برابر کالاهای ساخت اسرائیل را نخواهند داشت . پس بهترین بازارهای مصرفی برای کالاهای اسرائیلی، بازارهای کشورهای عربی می باشند. ولی از آنجایی که اکثر کشورهای عرب و مسلمان منطقه تحریم کالاهای اسرائیل در پیش گرفته اند لذا اسرائیل محروم از این منطقه مهم استراتژیکی اقتصادی می باشد . اهمیت منطقه خاورمیانه و اتصال آن به آسیای مرکزی از طریق حوزه خلیج فارس که هفت کشور عربی بهمراه ایران آنرا احاطه کرده اند، برهمگان بخصوص برای اسرائیل روشن است^۱. دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی و ارسال کالاهای صنعتی مورد نیاز این منطقه از این راه برای اسرائیل آرزویی است که از سال ۱۹۹۱ بدنبال تحقق آن می باشند. روند صلح در دهه ۱۹۹۰ باعث گشت تا کشور اسرائیل صادرات خود را به آسیا حدود یک سوم افزایش دهد . این افزایش در نتیجه

۱. "بررسی اهداف و خط مش های رژیم صهیونیسی در آسیای میانه و قفقاز"، مجله نگاه، صص ۵۰-۴۵.

روند مذاکرات صلح و انعقاد پیمان صلح با برخی از کشورهای عربی حاصل گشت^۱. بیش از سی کشور در این دهه با اسرائیل روابط دیپلماتیکی آغاز کردند و یا گسترش دادند که منجر به صادرات کالاهای بیشتر اسرائیل به این کشورها شد. صادرات صنعتی اسرائیل به کشورهای عربی همجوار و منطقه، چنانچه صورت می گرفت، درآمد بیشتری را برای دولت اسرائیل بوجود می آورد. انجام این مهم اقتصادی نیاز به صلح (اسرائیل با همسایگان) دارد.

یکی دیگر از راه های درآمد کشور اسرائیل جذب سرمایه های خارجی می باشد. جذب سرمایه گذاران خارجی در بخش های مختلف بخصوص بخش صنعت یکی از اولویت های سیاست اقتصادی اسرائیل محسوب می شود. با وجود اینکه صادرات بخش صنعت قسمت عمده ارز درخواستی اسرائیل را تامین می کند ولی با این وجود کل هزینه های وارداتی اسرائیل بدست نمی آید و اسرائیل کسری دائمی در میزان پرداختهای تجاری را دارد^۲. پس نیاز دولت اسرائیل به سرمایه های خارجی ضروری است. تا حدود زیادی کمکهای امریکا و غرامتهای آلمان و دیگر کمکها^۳ جبران این کسری های تجاری را می نماید. اما وجود این نوع کمکها و وامها نمی تواند همیشگی باشد و تضمینی برای پرداخت آنها در آینده نیز وجود ندارد و همچنین این کمکها تمامی کسری تجاری اسرائیلی را پوشش نمی دهد. برای حل این مشکل، سیاست اسرائیل در راستای جذب سرمایه گذاری خارجی بوده است که این امر نیاز به صلح و ثبات در منطقه دارد. بدون صلح و آرامش (که می تواند تضمین کننده امنیت باشد) سرمایه گذاران حاضر به سرمایه گذاری در هیچ یک از کشورهای منطقه که درگیر بحران می باشند، نخواهند بود. چرا که امنیت سرمایه ای وجود ندارد، همواره شرکتهای چند ملیتی بدنبال سرمایه گذاری در بازارهای فعالی هستند که نه تنها امنیت سرمایه آنها تضمین شده باشد، بلکه سود دهی این شرکتها از قبل مشخص و معلوم باشد. حجم سرمایه گذاری خارجی در اسرائیل تا قبل از شروع مذاکرات صلح حدود ۴۰۰ میلیون دلار ولی پس از پیشرفت روند

۱. انعقاد صلح اسلو بین اسرائیل و ساف در سال ۱۹۹۳ و پیمان صلح اسرائیل - اردن ۱۹۹۴.

۲. برای مثال در سال ۱۹۹۹ در بخش تجارت، صادرات اسرائیل معادل ۲۳ میلیارد دلار بود در حالی که در همین سال سهم واردات این کشور حدود ۳۱ میلیارد دلار برآورد شد.

۳. برای اطلاع بیشتر از کسری تجاری اسرائیل رجوع کنید به "رژیم صهیونیستی؛ اقتصاد"، مجله دوره عالی جنگ، مطالعات نظامی - استراتژیک دشمن شناسی، صص ۵۰-۴۷.

۴. کمکهای مالی یهودیان جهان

مذاکرات و توافقنامه صلح با اردن به ۶/۳ میلیارد دلار رسید^۱. در نتیجه جذب سرمایه گذاری خارجی نیاز به صلح و آرامش و امنیت در کشور اسراییل دارد و این کشور برای رسیدن به این هدف نیازمند صلح با همسایگان و حل مساله فلسطین می باشد.

منابع نیروی انسانی: برای تولید محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی بخصوص ساختمان سازی دولت اسراییل نیاز به نیروی انسانی کافی و ارزان دارد^۲. نیروی انسانی اسراییلی بیشتر در بخش هایی مشغول می شوند که تخصص های بالا را می طلبد و یا به عبارتی دیگر حاضر به کار در بخشهای فیزیکی و سطح پایین نیستند. از آنجایی که آن بخش از نیروی کار انسانی بدست آمده از مهاجرین یهودی و یا از متولدین یهودی اسراییلی، بسیار گران و با دستمزدهای بالا می باشند، بدین برای نیروی کار ارزان فلسطینی ها و یا دیگر عربهای منطقه خاورمیانه می تواند ضعف تهیه نیروی انسانی ارزان قیمت را در بخش کشاورزی و ساختمان سازی و یا دیگر بخش ها در اسراییل پوشش دهد. بطور مثال در دهه ۸۰ میلادی قرن بیستم در بخشهای کارگری ساختمانی و کشاورزی و دیگر نقاط حدود ۹۰٪ نیروی کار از جانب کارگران فلسطینی بود، زیرا که از ارزان ترین کارگران محسوب می گردند. از آغاز انتفاضه مسجد الاقصی تاکنون بیش از ۳۰۰/۰۰۰ نفر فلسطینی بیکار گشته اند که تا شروع انتفاضه بخش قابل توجه ای از آنها در بخشهای مختلف اقتصادی اسراییل مشغول بکار بودند. این آمار نشان از نیاز اسراییل به کارگران ارزان قیمت فلسطینی دارد. در صورت صلح و برگشت تعدادی از آوارگان به سرزمینهای ۱۹۶۷ دولت اسراییل می تواند به نیروی کار ارزان دسترسی بیشتری داشته باشد. چرا که برای تمامی جمعیت انبوه فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه نمیتوان در کوتاه مدت یا حتی میان مدت اشتغال زایی کرد.

صنعت گردشگری: این صنعت در اسراییل می تواند نقش بسیار مهمی در پیشبرد اهداف اقتصادی داشته باشد. در شرایط صلح و آرامش بیش از ۲/۵ میلیون نفر سالانه از اسراییل دیدن می کنند که درآمد حاصله از این بخش بسیار چشمگیر می باشد. این صنعت بیش از ۲ میلیارد دلار منافع مادی برای کشور اسراییل در بردارد. نبودن امنیت و آرامش در این

۱. "بعد اقتصادی صلح خاورمیانه"، مجله ترجمان اقتصادی، ص ۱۸.

۲. "پیامدهای اقتصادی صلح برای اسراییل، فلسطین و اردن"، مجله فصلنامه خاورمیانه، صص ۲-۱۰۱.

بخش می تواند خسارت عمده ای به بخش صنعت گردشگری وارد نماید^۱. این خسارت شامل بحران و رکود در بخش های هتل داری، رستوران، مراکز تفریحی و سیاحتی، ترانسپورت و غیره می شود. رهایی از این بحران فقط با صلح، که امنیت گردشگران را تضمین می نماید امکانپذیر خواهد بود.

کاهش نرخ رشد مهاجرت: رشد جمعیتی اسرائیل برخلاف دیگر کشورها طبیعی نیست. یعنی رشد جمعیت کشورها بر اثر زاد و ولد صورت می گیرد ولی در اسرائیل بیشتر بر اثر مهاجرت می باشد. ورود مهاجرین یهودی به اسرائیل یکی از اصلی ترین و مهمترین استراتژی اسرائیل می باشد. نرخ زاد و ولد در بین مسلمانان بالای ۴٪ می باشد در صورتی که بین یهودیان از ۱/۸٪ تجاوز نمی کند. پس برای اینکه نرخ جمعیت یهودیان مورد تهدید قرار نگیرد، می بایستی مهاجرت به اسرائیل ادامه یابد. امروزه مهاجرت به اسرائیل بیشتر براساس وضعیت اقتصادی و سیاسی و امنیتی صورت می گیرد و کمتر بر اساس مذهب یهودیت. مهاجرت یهودیان روسی به اسرائیل در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بیشتر بخاطر وضعیت بد اقتصادی و نبودن امنیت و آزادی در روسیه آن زمان صورت گرفت و بعد مذهبی در درجه دوم قرار داشت. امروزه بدلیل نبودن امنیت در اسرائیل مهاجرت یهودیان روسی تبار به اسرائیل کاهش چشمگیری یافته است و دیگر حاضر به رفتن به سرزمینی که رفاه و امنیت آن دچار بحران شده نیستند. نبودن امنیت و عدم وضعیت بهتر نه تنها باعث کاهش مهاجرین یهودی به اسرائیل می شود بلکه مهاجرت معکوس را می تواند شدت بخشد^۲. برای خارج شدن از این بحران لازم است تا صلح و آرامش به اسرائیل بازگردد تا ترکیب جمعیتی تغییر نیابد.

هزینه های نظامی

از آنجایی که کشور اسرائیل از طرفهای قدرتهای عربی و غیرعربی همواره تحت تهدید می باشد، پس انگیزه برتری نظامی را نسبت به اعراب و دیگر کشورهای خاورمیانه دارد. برای برتری نظامی، این کشور مجبور است هزینه های دفاعی نظامی بسیار بالایی بپردازد. این

۱. میزان خسارت و ضررهای وارده به بخش صنعت گردشگری در سال ۲۰۰۱ به سبب گسترش اتفاضه به بیش از سه میلیارد دلار رسید.

۲. محمد ماضی، سیاست و دیانت در اسرائیل، صص ۳۶-۳۲.

درست است که با صرف هزینه های بالای نظامی توان نظامی اسراییل نیز بالا رفته و در حقیقت عامل بازدارنده تهدیدات کشورهای عربی و غیرعربی است. اما هر مقدار که هزینه های نظامی بالا رود به همان مقدار از پیشرفت در بخش های دیگر کاسته می شود. به گفته تیلور، فانی و آنکس با افزایش ۱۰٪ هزینه های دفاعی، رشد سالانه حدود ۱۳٪ کاهش می یابد.^۱ همچنین صحیح است که اسراییل با هزینه های دفاعی بالا تهدیدات جنگهای کلاسیک را در منطقه تضعیف نموده است. اما این توان بالای نظامی تضمین کننده امنیت داخلی اسراییل نمی باشد. هزینه های سنگین نظامی و حالت آماده باش کامل نیروهای امنیتی و بسیج نیروهای احتیاط در سرزمین های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ منجر به افزایش هزینه های نظامی و کاهش بودجه دولت در بخش های دیگر می گردد که با این وجود امنیت در اسراییل ایجاد نخواهد گشت. پس دولت اسراییل به تنهایی نمی تواند امنیت واقعی را برای ملت اسراییل تضمین نماید و این امنیت با مشارکت کلیه کشورهای منطقه می تواند حاصل گردد. رهایی از حالت نظامی گری و زندگی پادگانی و آماده باش دایم که اثرات منفی فراوانی در زندگی روزمره شهروندان اسراییلی باقی می گذارد، می طلبد که اسراییل بدنبال صلح باشد.

منابع انرژی

کشور اسراییل از نظر ذخایر نفتی و گازی فقیر و حتی زغال سنگ آن وارداتی است.^۲ نفت و گاز وارداتی از منابع اصلی انرژی اسراییل محسوب می گردند. میزان مصرف سالانه نفت در اسراییل حدود ۸۰ میلیون بشکه و گاز آن حدود ۷۰۰ میلیون فوت مکعب است که مقدار اعظم این منابع انرژی از طریق کشورهای صادر کننده نفت و گاز (مکزیک، انگلستان، نروژ و ...) تامین می گردد. اسراییل برای تامین انرژی خود وابسته به واردات می باشد و هر اندازه که در مسایل صنعتی پیشرفت نماید بر میزان وابستگی خود برای واردات انرژی می افزاید. تهیه انرژی از منابع دوردست همراه با هزینه های بیشتر می باشد. با عادی سازی روابط با کشورهای عربی خاورمیانه و سپس گسترش آن، اسراییل می تواند دسترسی آسانتر و

۱. "بی ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی"، مجله اقتصاد سیاسی، ص ۳۵.
 ۲. تامین زغال سنگ اسراییل از کشورهای آفریقای جنوبی، کلمبیا، آمریکا، استرالیا و اندونزی صورت می گیرد.

با صرفه تر به منابع فراوان انرژی کشورهای خاورمیانه پیدا کند^۱. برای تامین انرژی با صرفه مورد نیاز خود اسرائیل احتیاج به قرارداد صلح با همسایگان عرب خود و برقراری ارتباط با آنان دارد.

نیاز فلسطینیان و کشورهای عربی به صلح

عدم دستیابی فلسطینیان به اهداف خود (آزاد سازی فلسطین) از طریق مبارزه مسلحانه و همچنین نبود حمایت قاطع و گسترده کشورهای عربی در قبال حل مساله فلسطین و سرنگونی رژیم بعثی عراق که یکی از حامیان مهم گروه های فلسطینی بود و همچنین خارج شدن لیبی از جناح کشورهای تندرو و رادیکال طرفدار فلسطینیان باعث گردیده تا ملت فلسطین بیش از اسرائیلی ها نیازمند به صلح باشند. ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی مشکلات و مسایل زیادی را برای فلسطینیان در بر دارد که هر چه زودتر فلسطینیان می بایستی خود را آماده حل کردن و برطرف کردن این مشکلات کنند. ساختن زیر بناهای اقتصادی کشور فلسطین احتیاج به منابع مالی زیاد و زمان طولانی دارد. شاید چند دهه زمان برای ایجاد ساختارهای اقتصادی که ملت فلسطین را به رفاه برساند، نیاز باشد. فلسطینی که از نظر صنعت در پایین ترین مرحله قرار دارد و اقتصاد کشاورزی سنتی آن جوابگوی نیازهای فلسطینیان نیست، می بایستی هر چه زودتر و سریعتر برای انجام تغییر و تحول آماده گردد. پیشرفت کشور فلسطینی در گرو همزیستی مسالمت آمیز و همکاری با همسایگان و حمایت های دیگر کشورهاست. هرچه فلسطینیان دیرتر ساخت و ساز را آغاز کنند بر مشکلات آنها افزوده خواهد شد. صلح و ایجاد تفاهم در منطقه تنها باعث پیشرفت فلسطین نخواهد شد بلکه به ترقی و پیشرفت ناحیه کمک فراوانی خواهد نمود.

نیاز سوریه به صلح

عدم دستیابی سوریه به صلح با همسایه خود یعنی اسرائیل باعث گشته که سوریه بخشی از درآمدهای خود را صرف کارهای غیرعمرانی کند یعنی مصروف در امور دفاعی کند. سوریه با صرف نیمی از بودجه سالانه خود برای امور دفاعی، پیشرفت اقتصاد این کشور

۱. برای اطلاع بیشتر به نیاز انرژی اسرائیل رجوع کنید به "اسرائیل در مسیر نقل و انتقال منطقه ای انرژی و وضعیت امنیتی خاورمیانه"، ویژه پژوهش یار.

همواره با مشکلات متعدد مواجه بوده است. ما بطور مختصر نگاهی به اقتصاد سوریه می افکنیم.

اقتصاد سوریه

ساختار اقتصادی سوریه به گونه ای است که وابسته به کمک کشورهای عرب و غیر عرب و سرمایه گذاری خارجی می باشد. منابع نفتی سوریه با وجود اینکه محدود می باشد ولی نقش ستون فقرات اقتصادی کشور را دارد. از آنجایی که شرکت‌های نفتی فرانسوی، امریکایی و آلمانی در پروژه های نفتی سوریه مشارکت دارند تضمین امنیت این شرکتها بسیار مهم می باشد. در صورت صلح و آرامش در منطقه، سوریه می تواند از سرمایه گذاری های خارجی سود ببرد و مقدار بیشتری از بدهی های خود را بپردازد. بخش صنایع سوریه که چندان پیشرفته نیست احتیاج زیادی به سرمایه گذاری خارجی برای ترقی و پیشرفت بیشتر دارد. صنعت گردشگری در سوریه شامل مناطق زیارتی، سیاحتی و مکانهای تاریخی است. این صنعت نقش مهمی در اقتصاد سوریه ایفا می کند^۱. رونق این بخش بستگی به صلح و آرامش در سوریه و منطقه دارد.

مسائل نظامی سوریه

با صرف هزینه های سنگین در مسایل نظامی سوریه این کشور در بخش اقتصاد توانایی لازم برای پیشبرد امور اقتصادی را دارا نیست. شوروی تا قبل از فرو پاشی از حامیان اصلی سوریه بود و تجهیزات نظامی و حمایت های مالی و سیاسی فراوانی به این کشور می کرد. با فروپاشی شوروی این نوع کمکها کمتر و برای جبران این نوع کمکها و پیشرفت در امور رفاهی مقتضی است تا سوریه از هزینه های نظامی بکاهد و بخش اقتصادی را رونق بیشتری دهد. چنانچه سوریه دوباره به مسایل نظامی گری روی آورد دیگر قادر به دریافت کمکهای مادی از طرف اروپا و یا آمریکا نخواهد بود^۲. این مساله تأثیر به سزایی در مسایل اقتصادی سوریه به جای خواه گذاشت. مقایسه اقتصادی سوریه در دو دهه ۱۹۹۰ میلادی این

۱. علی جزینی، نفس سوریه در روند صلح خاورمیانه، سازش اعراب و اسراییل، صص ۲۱-۲۰.

۲. شرکت سوریه در مذاکرات صلح باعث گشت تا غرب سیاست کمکهای مالی به سوریه، برای ترغیب این کشور به صلح، را در پیش گیرد.

واقعیت را نشان می دهد که ثبات منطقه و سرمایه گذاری خارجی در این کشور باعث رشد و شکوفائی اقتصادی آن می گردد^۱.

مشکلات داخلی

مدرنیزه کردن سوریه و ساخت زیربناهای ضروری مورد احتیاج این کشور نیاز به فراغت از مسایلی چون درگیری با همسایگان بخصوص با اسرائیل دارد. چنانچه سوریه به رفاه اجتماعی اهمیت بیشتری ندهد، اعتراضات مردم سوریه به برای کسب رفاه اجتماعی روز به روز بیشتر خواهد شد. سرنگونی حزب بعث عراق می تواند پیامدهای خطرناکی برای حزب بعث سوریه در پی داشته باشد. برای جلوگیری از اعتراضات مردم سوریه به عملکرد ۳۰ ساله دولت بعثی سوریه، بشار اسد می بایستی درصد پیشبرد اقتصاد و رفاه اجتماعی بالاتری برای ملت سوریه باشد. برای این منظور می بایستی از هزینه های نظامی بکاهد و هزینه های بیشتری را صرف مسایل اجتماعی و رفاهی مردم سوریه نماید.

صلح خاورمیانه و امنیت امریکا

ایالات متحده امریکا، متحد استراتژیک اسرائیل می باشد. روابط دو جانبه این دو کشور به صورت یک جاده دو طرفه است که هر یک از طرفین به منافع خاص خود دست می یابند. وجود لابی پر قدرت صهیونیسم^۲ در امریکا برای تأمین منافع اسرائیل و همچنین قرار گرفتن اسرائیل بصورت یک پایگاه دائمی و مطمئن برای امریکا در منطقه خاور میانه باعث گشته که همواره این دو کشور تضمین های لازم را در خصوص حمایت از یکدیگر در اختیار داشته باشند. حمایت گسترده امریکا از دولت اسرائیل از زمان تاسیس این کشور و مورد استفاده قرار گرفتن آن برای مبارزه بر علیه نفوذ کمونیسم در گذشته و مقابله با تروریسم در زمان حال مؤید این نظریه می باشد. پیشینه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واقع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آسیب پذیری ایالات متحده امریکا را آشکار ساخت. این حادثه نشان داد که با داشتن این نوع ضریب امنیتی امریکا نمی تواند از وقوع حملات تروریستی به راحتی جلوگیری نماید. دکترین استراتژی امریکا بعد از این حمله بر اساس

۱. محمد علی امامی، سیاست و حکومت در سوریه، صص ۹-۶۱.

۲. لی اوبرین، سازمانهای یهودیان آمریکا، بنای برت، لابی ها، کنگره یهودیان، صص ۶۴-۲۵۴.

افزایش ضریب امنیتی و کاهش آسیب پذیری قرار گرفت. ایالات متحده در این خصوص سیاستهای خود را بر اساس مبارزه با تروریسم و حامیان و مدافعان آنها و دولت های تندرویی که می توانند با در اختیار داشتن سلاح های کشتار جمعی تهدیداتی علیه امریکا و یا غرب انجام دهند، قرار داده است. در نگاه غرب عوامل تهدید در ناحیه خاور میانه بسیار زیاد است که بخش اعظم آن به علت پایان نگرفتن بحران اعراب و اسرائیل می باشد. برای تضعیف عوامل تهدید، دولت ایالات متحده خشونت گرایی از طرف گروه های مختلف از جمله جهاد اسلامی، سازمان مقاومت اسلامی (حماس) و حزب الله را محکوم و آنان را در لیست تروریستها قرار داده است. دولت امریکا خواستار قطع کمکهای مادی و معنوی به این گروهها گردیده و تا اندازه زیادی توانسته بسیاری از کشورهای غربی را در این راستا همسو سازد. این کشور همچنین در سازمان ملل متحد توانسته مقوله جنگ علیه تروریسم را در اولویت قرار دهد و بسیاری از کشورهای جهان را برای این منظور متقاعد و همراه کند. با حمله بر دولت بعثی عراق و سرنگونی رژیم صدام، امریکا نه تنها توانست یکی از عوامل اصلی تهدید در منطقه خاورمیانه را از بین برد، بلکه حلقه محاصره را به دور دو کشور تندروی منطقه، یعنی ایران و سوریه تنگ تر کند. اما پس از گذشت ماهها از تسخیر عراق، قدرت نظامی ایالات متحده و همپیمانان او نتوانستند جلوی حملات ناراضیان عراقی را بگیرند و هر روزه بر تعداد تلفات نیروهای آنها اضافه می گردد. امریکا بخوبی می داند که با تمامی تلاشهای امنیتی نمی تواند از تمامی حملات تروریستی در عراق یا خارج از عراق جلوگیری نماید. پس می بایستی همزمان با مبارزه تروریسم بنحوی از عوامل ناراضیتی در ناحیه خاورمیانه بکاهد. برای کاهش ناراضیتی مسلمانان از عدم حل مساله فلسطین و همچنین موفقیت بیشتر مبارزه علیه تروریسم، امریکا می بایستی تلاش بیشتری در خصوص صلح اعراب و اسرائیل برای رضایت عمومی ملتهای منطقه صورت دهد. در این راستا ایالات متحده بر تلاشهای دیپلماتیکی خود برای حل بحران اعراب و اسرائیل افزوده^۱ تا از این طریق از حمایت و پیوستن افراد بیشتری به گروههای تندرو جلوگیری شود. این سیاست می تواند تا حد زیادی رضایت بیشتر کشورهای خاورمیانه و غرب را در برگیرد. اما این نکته را نیز می بایست در نظر داشت که دولت امریکا خواهان پیشرفت صلح به اندازه و درجه ایست که اول روابط استراتژیک امریکا با اسرائیل

خداشه دار نشود و دوم افکار عمومی ملت‌های خاورمیانه بر علیه امریکا بسیج نشود. پس صلح در منطقه خاورمیانه نه تنها در بالابردن ضریب امنیت جهانی بویژه امنیت ایالات متحده تأثیر به‌سزایی دارد بلکه تا حدودی زیادی از بهانه‌های ورود نیروهای بیگانه^۱ به ناحیه خواهد کاست.

نتیجه

با گذشت یک قرن از آغاز اختلافات اعراب و صهیونیستها، جدای از اینکه ادعای کدام گروه در خصوص سرزمین فلسطین قابل قبول تر است، این بحران هنوز حل نگشته است. چرا که برخی از عوامل در انسداد صلح دخالت دارند. گروه‌هایی از تندروهای فلسطینی و اسرائیلی وجود دارند که منافع همگان را در نظر نمی‌گیرند و براساس عقاید افراطی خود درصدد جلوگیری از بوجود آمدن صلح می‌باشند. به‌مراه این گروه‌ها برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه وجود دارند که خواهان حفظ وضع موجود می‌باشند. چرا که منافع زیادی از این وضعیت نصیبشان می‌گردد. اما با گذشت زمان و با این نتیجه که تداوم کشمکشها در بین دو گروه نتوانسته حذف یکی از طرف‌های درگیر را ایجاد و یا باعث خارج شدن یکی از طرفین از منطقه شود، ادعای نابودی یکدیگر کم‌کم به دست فراموشی سپرده شده است در طول یک صد سال گذشته تاریخ نشان داده که سرنوشت اعراب فلسطینی و اسرائیلی‌ها به یک سرزمین گره خورده است. ثبات، امنیت و پیشرفت اقتصادی هر دو طرف بستگی به پایان گرفتن منازعه دارد.

در برخی مواقع می‌بایستی امتیازات بیشتری به طرف مقابل داد. امتیاز بیشتری که شاید حق طرف مقابل نیز نباشد. ولی بایستی دید با دادن این امتیازات چه امتیازات دیگری میتوان کسب کرد. مسایل اقتصادی خاورمیانه با فرآیند صلح گره خورده است، تردیدی نیست که کشورهای منطقه خاورمیانه از بوجود آمدن صلح منافع سرشاری را کسب خواهند نمود. همکاری اقتصادی موجب بهبود اوضاع اقتصادی و پیشرفت بیشتری خواهد شد. همانطور که صلح برای اسرائیل یک گزینه استراتژیک محسوب می‌شود و جانشین دیگری ندارد این مساله برای کشورهای عربی و غیرعربی نیز صدق می‌کند. فروپاشی شوروی و کاهش اهمیت

۱. امیر ساجدی، "سیاست قدرتهای بزرگ در مورد توسعه و ثبات خلیج فارس"، هفتمین همایش بین‌المللی خلیج فارس

استراتژیکی اسرائیل برای غرب بخصوص اروپا و از بین رفتن پایگاه استراتژیکی غرب (اسرائیل) برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در خاورمیانه و همچنین عدم حمایت قاطع اکثر کشورهای عربی از گروه های فلسطینی که باعث کاهش تبلیغات اسرائیل در مورد تهدیدات اعراب شده است، زمینه مذاکرات را برای فراهم آمدن صلح در منطقه ایجاد کرده است، حل و فصل بحران اعراب و اسرائیل باعث خواهد شد تا فلسطینیان که راه طولانی برای ساختن زیربنای اقتصادی خود را دارند سریعتر در این راه قدم بردارند. منافع صلح برای فلسطینیان بیشتر است تا برای اسرائیل، چرا که سیستم اقتصادی اسرائیل گسترده و پیشرفته تر است. چنانچه کشورهای منطقه روی به صلح نیاورند و در وضعیت فعلی باقی بمانند، با توجه به منافع استراتژیکی دایمی قدرتهای بیگانه در منطقه، این ناحیه همچنان در وضعیت بحرانی باقی خواهد ماند و این به معنی عدم پیشرفت منطقه می باشد.

منابع

- ۱- احمدی، حمید، ریشه های بحران در خاور میانه، تهران، کیهان، ۱۳۶۹.
- ۲- امامی، محمد علی، سیاست و حکومت در سوریه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶.
- ۳- اوبرین، لی، سازمانهای یهودیان آمریکا، بنای برت، لابی ها، کنگره یهودیان، مترجم ع. ناصری، تهران: انتشارات نور، ۱۳۷۵.
- ۴- ایزدی، حجت، فلسطین و سازمانهای بین المللی، قم، ستاره، ۱۳۷۷.
- ۵- بایریل، ج، جنگ طولانی: اعراب و اسرائیل، مترجم ابو طالب صارمی، تهران، امیر کبیر ۱۳۴۹.
- ۶- بالوک، جان، خاورمیانه عربی بین دو جنگ، مترجم نظام الدین قهاری، تهران، چاپخش، ۱۳۵۴.
- ۷- بهمنش، احمد، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- بی آزاران، سید حسین، زادگاه پیامبران، بی جا، بی نا، ۱۳۵۳.
- ۹- جاسبی، عبدالله، فلسطین در فراز و فرود تاریخ، تهران، دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۷۹.

- ۱۰- جزینی، علی، نقش سوریه در روند صلح خاورمیانه، ساروش اعراب و اسرائیل، تهران، آذرین، ۱۳۷۷.
- ۱۱- جادری، عبد الکریم، «رژیم صهیونیستی: اقتصاد»، مترجم فضل النقیب مجله دوره عالی جنگ، مطالعات نظامی - استراتژیک دشمن شناسی، تهران، شماره ۲۷ سال، ۱۳۸۰.
- ۱۲- حمیدی، سید جعفر، تاریخ اورشلیم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۳- خسرو شاهی، سید هادی، اسرائیل پایگاه امپریالیسم و حرکت‌های اسلامی در فلسطین، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۱۴- خطیبی، عذرا، درگیری اعراب و اسرائیل، تهران، مرد مبارز، ۱۳۴۹.
- ۱۵- درینک، ژان پیر، خاورمیانه در قرن بیستم، مترجم فرنگیس اردلان، تهران، جاویدان، ۱۳۶۸.
- ۱۶- ربابعه، غازی اسماعیل، استراتژی اسرائیل، مترجم محمد رضا فاطمی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۸.
- ۱۷- روزن. هاوارد و کلاسون، پاتریک، «پیامدهای اقتصادی صلح برای اسرائیل، فلسطین و اردن»، مجله فصلنامه خاورمیانه، تهران، سال اول، شماره تابستان ۱۳۷۳.
- ۱۸- سوکولوف، ناهوم، تاریخ صهیونیسم، جلد اول، مترجم داود حیدری، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران بنیاد جانبازان، ۱۳۷۷.
- ۱۹- ساجدی، امیر، سیاست قدرتهای بزرگ در مورد توسعه و ثبات خلیج فارس، تهران، هفتمین گردهمایی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۲-۳ دی ماه ۱۳۷۵.
- ۲۰- سلیمانی، محمد باقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۷۹.
- ۲۱- سراج القوم، معصومه، «اسرائیل در مسیر نقل و انتقال منطقه ای انرژی و وضعیت امنیتی خاورمیانه»، ویژه پژوهش یار، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۷۹.

- ۲۲- شرایبر، فریدریش، **نبرد فلسطین تاریخ ۳۰۰۰ سال قهر**، مترجم عبدالرحمان صدریه، تهران، نشرآبی، ۱۳۷۳.
- ۲۳- صایع، یوسف، «تواناییهای اقتصادی اسرائیل»، مترجم عبدالرضا همدانی، **مجله مطالعات منطقه ای اسرائیل شناسی - امریکا شناسی**، جلد ششم، ۱۳۸۰.
- ۲۴- فضل الله نور الدین کیا، **خاطرات خدمت در فلسطین**، تهران، نشر آبی، ۱۳۷۷.
- ۲۵- کوئیگلی، جان، **فلسطین و اسرائیل، رویارویی با عدالت**، مترجم سهیلا ناصری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
- ۲۶- ماضی، محمد، **سیاست و دیانت در اسرائیل**، مترجم سید غلامرضا تهامی، تهران: سنا، ۱۳۸۰.
- ۲۷- مساله فلسطین، گزارش کنفرانس حقوقدانان عرب در الجزایر، مترجم اسداله مبشری، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
- ۲۸- مهدی زاده، اکبر، «بررسی اهداف و خط مشی های رژیم صهیونیستی در آسیای میانه و قفقاز»، **مجله نگاه**، تهران، سال دوم شماره ۱۸، آذر و دی ۱۳۸۰.
- ۲۹- نجاتی، غلامرضا، **جنگ چهارم اعراب و اسرائیل اکتبر ۱۹۷۳**، تهران، سهامی انتشار، ۱۳۵۲.
- ۳۰- نقیب، فضل، «بعد اقتصادی صلح خاورمیانه»، مترجم م. باهر، **مجله ترجمان اقتصادی**، تهران، سال سوم، شماره ۱، ۱۳۷۹.
- ۳۱- وستریچ، رابرت اس، «پاپ، کلیسا و یهودیان»، مترجم مسعود آریایی نیا، **مجله مطالعات منطقه ای، اسرائیل شناسی- امریکا شناسی**، تهران، جلد اول، ۱۳۷۸.
- ۳۲- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، **سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار**، بی جا، بی نا، ۲۵۳۶.
- ۳۳- «اقصای مسلمان و هیکل یهود»، **مجله صدای فلسطین اسلامی**، تهران، شماره ۳۵، خرداد ۱۳۸۱.
- ۳۴- «بی ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی» **مجله اقتصاد سیاسی**، تهران، پیش شماره اول، آبان ماه ۱۳۷۸.

-
- 35- Neff, Donald, **Fallen Pillars, U.S. Policy towards Palestine and since 1945**, Washington D.C.: Institute for Palestine Studies, 2002.
- 36- Ovendale , Ritchie , **THE ORIGINS OF THE ARAB - ISRAELI WARS** , New York : Longman , 1999 .
- 37- Oren, b. Michael, **SIX DAYS OF WAR , June 1967 and The Making of The Modern Middle East** , New York : presidio , 2003.

